

علم اصول الفقہ

۱۹-۶-۹۲ مقدمه علم اصول فقہ ۲

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

صِفَةُ الْعُلَمَاءِ

• ٦٧ / ١. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «اطْلُبُوا الْعِلْمَ، وَتَزَيَّنُوا مَعَهُ بِالْحِلْمِ وَالْوَقَارِ» (٤)، وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ تَعَلَّمُونَهُ الْعِلْمَ، وَتَوَاضَعُوا لِمَنْ طَلَبْتُمْ مِنْهُ الْعِلْمَ، وَلَا تَكُونُوا عُلَمَاءَ جَبَّارِينَ؛ فَيَذْهَبَ بَاطِلُكُمْ بِحَقِّكُمْ» (٥).

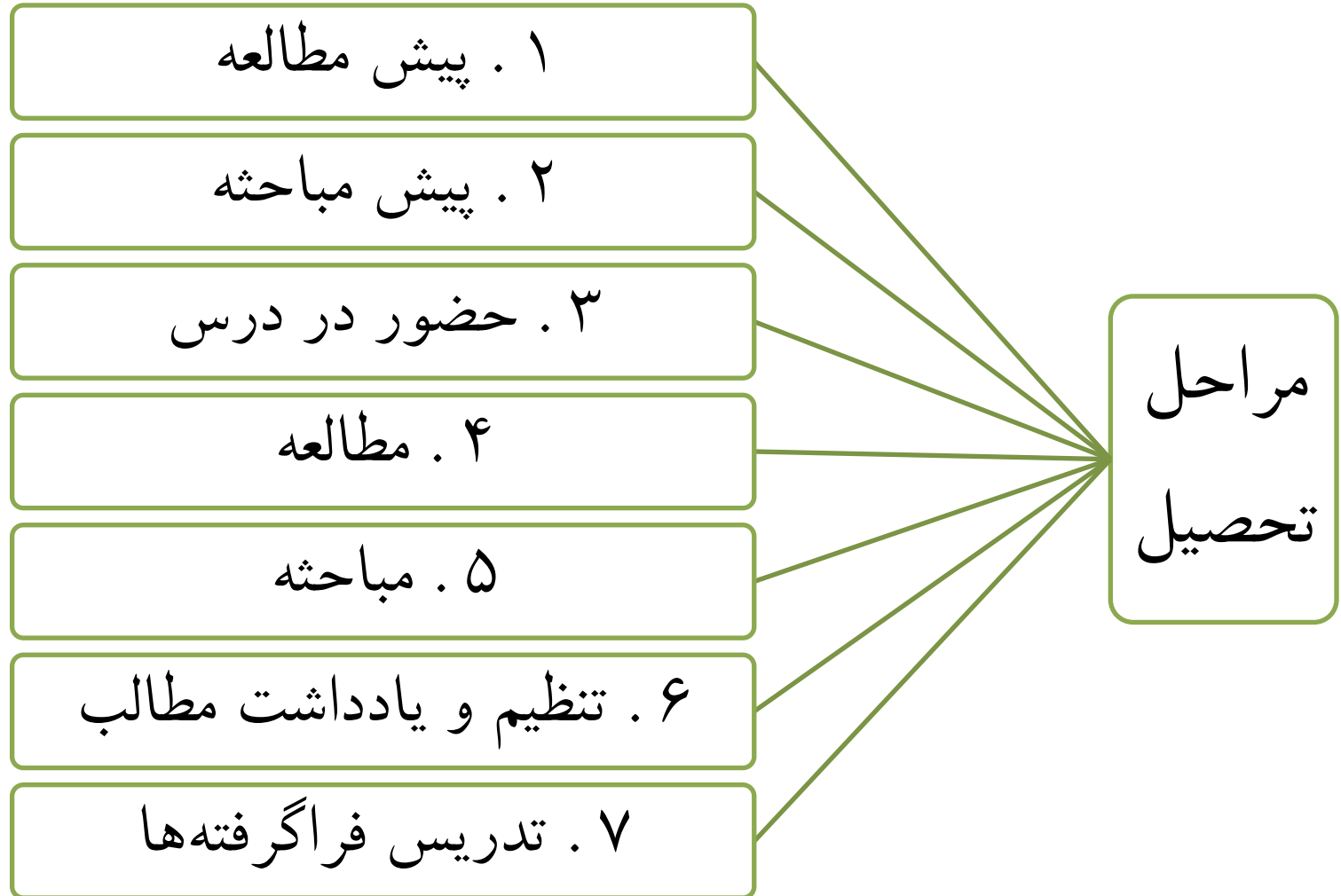
• (٤). الحِلْمُ وَالْوَقَارُ مَتَقَارِبَانِ فِي الْمَعْنَى، وَهُوَ الْأَنَاةُ وَالتَّثَبُّتُ فِي الْأُمُورِ، وَقد مرَّ فِي حَدِيثِ جُنُودِ الْعَقْلِ وَالْجَهْلِ أَنَّ الْحِلْمَ ضِدُّ السَّفْهِ، وَالْوَقَارَ ضِدُّ الْخَفَةِ وَالطَّيْشِ وَالْعَجَلَةِ. شرح صدر المتألهين، ص ١٥٠. وراجع: النهاية، ج ٥، ص ٢١٣؛ الصحاح، ج ٢، ص ٨٤٨ (وقر).

• (٥). الأُمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص ٣٥٩، المَجْلِسِ ٥٧، ح ٩، بسنده عن الحسن بن محبوب الوافي، ج ١، ص ١٦١، ح ٨٠؛ الوسائل، ج ١٥، ص ٢٧٦، ح ٢٠٥٠٣.

چند نکته در باب تحصیل علم

- تحصیل نیازمند صبر و صبر امری تلخ است.
- پس در تحصیل دو نکته مقدم است:
 - ۱. علم بدون رنج حاصل نمی‌شود.
 - ۲. رنج تحصیل علم بر شانه‌های شخص محصل استوار است.

چند نکته در باب تحصیل علم



چند نکته در باب تحصیل علم

- مراعات این مراحل برای تمام کسانی که به دروس حوزوی اشتغال دارند، ضروری است، چه مشغول تحصیل سطح باشند و چه خارج؛ اما برای دسته‌ی دوم رعایت دقیق برخی از این مراحل، مانند پیش مطالعه و پیش مباحثه، واجب است و برای محصلان سطح فقه و اصول مستحب مؤکد!

چند نکته در باب تحصیل علم

- یعنی در هنگام تحصیل در مقاطع مختلف سطح علوم حوزوی، طی مراحل لازم است، اما اگر در بعضی از مراحل مسامحه شد، باز می‌توان سطح را به نتیجه رساند. در حالی که اگر این مراحل پس از اتمام سطح مراعات نگردد، عملاً تحصیل در مقطع خارج بی‌نتیجه خواهد ماند؛ چرا که **هدف از تحصیل در حوزه، پرورش مجتهد است** و بدون گذراندن این مراحل، رسیدن به قوهی اجتهاد و استنباط میسر نمی‌گردد.

چند نکته در باب تحصیل علم

- ناگفته نماند کسانی که از ابتدای مقدمات تا پایان سطح در این موارد سعی کرده و ممارست داشته باشند، تحصیل خارج و حصول اجتهاد برایشان بسیار آسان تر است تا افرادی که در طول سال‌های قبل از درس خارج به همه یا بعضی از آنها تقیدی نداشته‌اند. روش بزرگان علمی حوزه مبین این حقیقت است که تلاش در سال‌های تحصیل سطح، تأثیر شگرفی در توفیقات آینده دارد.

چند نکته در باب تحصیل علم

- حضرت آیت الله جوادی آملی می فرمودند: «من چون سطح را خوب خوانده و خوب مباحثه کرده و اکثر کتب را درس داده بودم، وقتی به خارج رسیدم، بسیاری از دروس خارج موجود در حوزهی آن زمان برایم بی فایده می نمود و مدت ها طول کشید تا درسی پیدا کنم که برایم مطلبی جدید داشته باشد.»

چند نکته در باب تحصیل علم

- البته چنین نیست که اگر طلبه، دروس سطح را خوب نخوانده باشد، در دوران خارج بی بهره بماند. هرگز، راه بسته نیست. اما زحمت و مشکل چنین طلبه و محصلی زیادتر و راه برایش دشوارتر است. او کاری دوچندان را باید انجام دهد تا آمادگی لازم را بیابد. آمادگی برای خارج اصول نیاز به آشنایی مفید با منطق، ادبیات و فلسفه دارد. چنانچه این آشنایی در هنگام تحصیل سطح به خوبی حاصل شده باشد، فهم خارج اصول ساده می شود و گرنه باید همزمان با شرکت در درس خارج به مطالعه جدی در این رشته ها نیز همت گمارد و هر قدر در این مقدمات ضعیف تر باشد، زحمت و زمان بیشتری را باید صرف نماید.

- دانش اصول فقہ ریشه در تاریخ اسلام دارد و هر چند جوانه-های تدوین رسمی آن در سده-ی دوم هجری زده شده است، اما اساسی-ترین اصول آن در کلمات پیام-آور اسلام حضرت ختمی مرتبت علیه و علی آله آلاف التحية و السلام و جانشینان به حق آن بزرگوار، حضرات امامان معصوم علیهم السلام دیده می-شود.

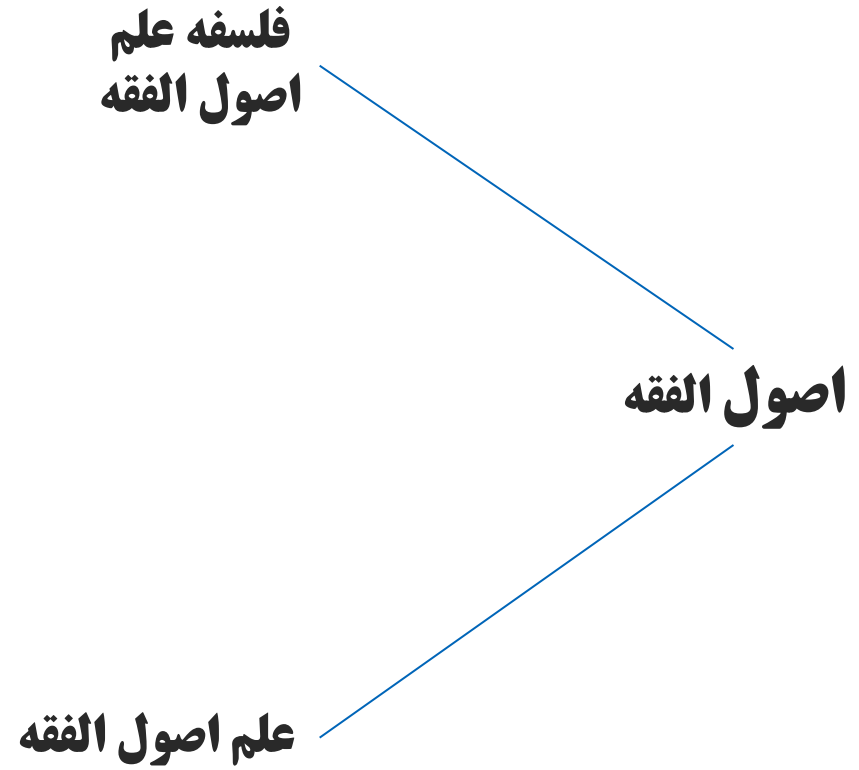
- از سوی دیگر، این دانش بخش وسیعی از تحصیلات متعارف طالبان علوم دینی را در حوزه های اسلامی به ویژه در مکتب اهل بیت علیهم السلام تشکیل می-دهد، و دانش آموختگان حوزوی در دوره-های مختلف تحصیلی سطوح گوناگونی از این دانش را آموزش می-بینند.

- هنگامی که در تابستان سال ۱۳۸۰ هجری شمسی پس از پایان تدریس دوره-ی اول خارج اصول فقه به دنبال تهیه فهرستی جامع و جدید از این دانش برای آغاز تدریس دوره-ی دوم خارج آن بودم، علی رغم صرف تمام فرصت تابستان و مراجعه به تمام آثار اصولی در دسترس، به فهرستی که بتواند هدف مرا تأمین کند، برخورد نکردم.

- از این رو، با محور قرار دادن «حجت» به عنوان موضوع اصلی علم اصول به فهرستی تازه و جامع از این دانش دست یافتیم که در عین شمول نسبت به تمام بحث-های سنتی این علم، بخش-های جدیدی از این دانش را در بر می-گرفت که در فهرست-های متعارف جایی نداشتند.
- این فهرست جدید چینش منطقی مباحث اصول فقه را نیز تأمین می-کرد و به همین دلیل با چیدمان سنتی مباحث اصولی که بیشتر جنبه-ی تاریخی دارد تا منطقی، متفاوت می-نماید.

- اکنون پس از پایان تدریس دوره-ی دوم خارج اصول فقه، و بازخوانی و تکمیل مطالب ارایه شده در آن دوره، در دوره-ی سوم تدریس خارج اصول به عرضه-ی مکتوب آن در قالب مجموعه-ی «تأملات در علم اصول فقه» پرداخته شده است.

- این مجموعه به دو بخش: ۱. فلسفه علم اصول فقه و ۲. علم اصول فقه، تقسیم می-شود که شرح کامل آن در همین کتاب آمده است.



تفاوت یک دانش با فلسفه آن

- در مطالعه-ی هر علمی با دو دسته معلومات رو-به-رو هستیم:
- ۱- مسایل خود آن علم که مجموعه-ی آنها، آن دانش را تشکیل می-دهند.
- ۲- معلوماتی که از نگاه بیرونی به آن علم به دست می-آیند. این معلومات فلسفه آن علم را تشکیل می-دهند.
- علم اصول فقه نیز از این قاعده مستثنا نیست.

فلسفه علم اصول

- فلسفه علم اصول مجموعه بحث‌هایی است که در پی یک مطالعه بیرونی و قبل از ورود به علم اصول، نسبت به آن علم صورت می‌پذیرد.

فلسفه علم اصول

• فلسفه علم اگر چه مورد توجه قدما نبوده، اما محتوای بعضی از بحث‌های آن به شکلی در آثار گذشته مطرح شده است؛ مثلاً به روش-شناسی با عنوان انحاء تعلیمیه* (روش-های آموزشی) اشاره کرده و تعامل این علم را با سایر علوم در مرتبه-ی علم بررسی کرده-اند. برخی از علما نیز به اصولی نبودن بعضی مباحث مطرح شده در کتاب-های اصولی اشاره کرده، در صدد اصلاح این علم و طبقه-بندی آن بر آمده-اند؛ ولی هرگز مطالعه-ای جامع در این باب صورت نگرفته است.

• *ر.ک: مولی عبدالله، الحاشیة، صص ۱۱۵ - ۱۱۷.

روش متعارف آموزش علم اصول فقه

- در بحث-های متعارف اصولی، مباحث اصولی از یک ترتیب تاریخی برخوردار هستند که در طول صدها سال شکل گرفته است. در این ترتیب محققان از همان ابتدا وارد مسایل علم اصول می-شوند و پس از تعریف این علم، بلافاصله مباحث الفاظ را شروع می-کنند و سپس به مباحث قطع و پس از آن به مباحث ظن و اصول عملیه می-پردازند و در انتها تعادل و ترجیح را مورد بحث و بررسی قرار می-دهند و البته در لابه-لای این مباحث، مطالبی هم وجود دارد که در زمره-ی مباحث علم اصول فقه به شمار نمی-آید.

روش متعارف آموزش علم اصول فقه

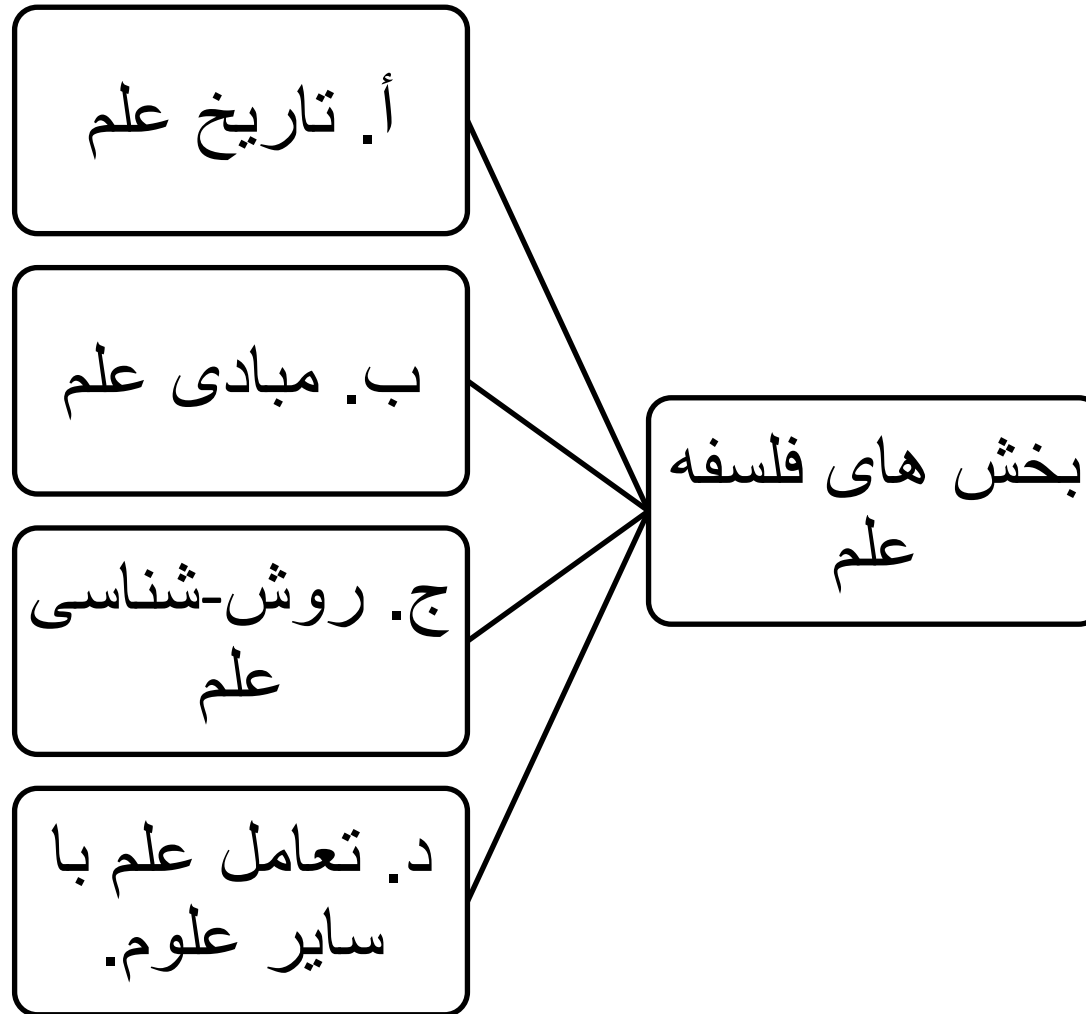
- فراگیری علم اصول با این ترتیب، تصویری کلی از علم اصول در ذهن دانش پژوه ایجاد نمی‌کند. چه بسا ممکن است دانش پژوه چند دوره اصول را با این شیوه پشت سر بگذارد؛ اما هنوز تصویر جامعی از آن نداشته باشد.
- یعنی نداند:
- اصول چیست؟ در کجای علوم قرار می‌گیرد؟ چه نسبتی با سایر علوم دارد؟ در پی چه موضوعات و مسائلی است؟ چه مراحل را طی کرده و بر چه پیش فرض‌ها، و یا به تعبیر دقیق‌تر، بر چه مبانی‌ای استوار است؟

روش متعارف آموزش علم اصول فقه

- همین امر سبب می-گردد دانش پژوه نتواند در خود بحث اصول به صورت کامل اظهار نظر کند و از پاسخ-گویی به پرسش-های جدی یا جدید در باب این دانش عاجز باشد.
- بنابراین در یک ترتیب منطقی ابتدا باید فلسفه علم اصول را مورد مطالعه قرار دهیم

بخش های فلسفه علم

- مطالعه-ی بیرونی یک معرفت، چهار امر را به ارمغان می-آورد:
- ا. تاریخ علم
- ب. مبادی علم
- ج. روش-شناسی علم
- د. تعامل علم با سایر علوم.



۱- تاریخ علم

- تاریخ یک علم غیر از تاریخ علما است. در تاریخ یک علم سیر تحولات پیش آمده در یک دانش را مطالعه می‌کنیم. برای مطالعه تاریخ یک علم سه رویکرد می‌توانیم داشته باشیم:

۱- تاریخ علم

- رویکرد اول
- خود علم را به نحو کلی مطالعه کنیم تا ببینیم که این علم در چه زمانی آغاز شده و چه مراحل را پشت سر گذاشته و در وضعیت کنونی به کجا رسیده است. این همان رویکردی بود که ما در بحث‌های فلسفه علم اصول انتخاب کردیم.

۱- تاریخ علم

- رویکرد دوم
- دیگر این است که مکاتب و نظریاتی را که در آن دانش وجود دارد بررسی کنیم و بر اساس آن مکاتب بحث تاریخی خود را سامان دهیم که البته ما در بحث‌ها این کار را نکردیم؛ هرچند در لابه‌لای مباحث به بحث مکاتب به صورت اجمال اشاره کردیم.

۱- تاریخ علم

- رویکرد سوم
- این است که ما مسائل آن دانش را ، یک یک بررسی کنیم تا بینیم این مسأله در چه زمانی آغاز شده و چه تحولاتی را پشت سر گذاشته و در وضعیت فعلی به کجا رسیده است. ما از این رویکرد هم استفاده نکردیم؛ چون به بحث‌های خودِ علم اصول نزدیک می‌شود و از جهتی بحث داخل علم اصول می‌تواند محسوب شود؛ البته در بحث‌های علم اصول به صورت اجمالی در بعضی موارد با این رویکرد بحث کردیم.

۲- مبادی علم

- مبادی تصویری و تصدیقی یک علم، تصورات و تصدیقاتی هستند که مسائل آن علم بر آنها استوارند. بعضی از بحث‌هایی را که معمولاً در ابتدای علم اصول مطرح می‌شود، در قسمت مبادی تصویری به آن بحث‌ها اشاره کردیم؛ مثل تعریف و موضوع علم اصول و نیز مفهوم حکم و مبادی و اقسام آن و مفهوم حجت و اقسام آن.

۲- مبادی علم

- مبادی تصدیقی علم اصول را ما به دو بخش تقسیم کردیم:
- یکی مبادی عامه که در واقع برای تمام مسائل علم اصول به عنوان مبدأ محسوب می‌شوند
- و دیگری مبادی خاصه که برای بخشی از مسائل علم اصول به عنوان مبدأ محسوب می‌شوند.
- مبادی خاصه را به دو بخش کوچکتر تقسیم کردیم: مبادی که به حجت غیر لفظی اختصاص دارد و مبادی که به حجت لفظی اختصاص دارد.

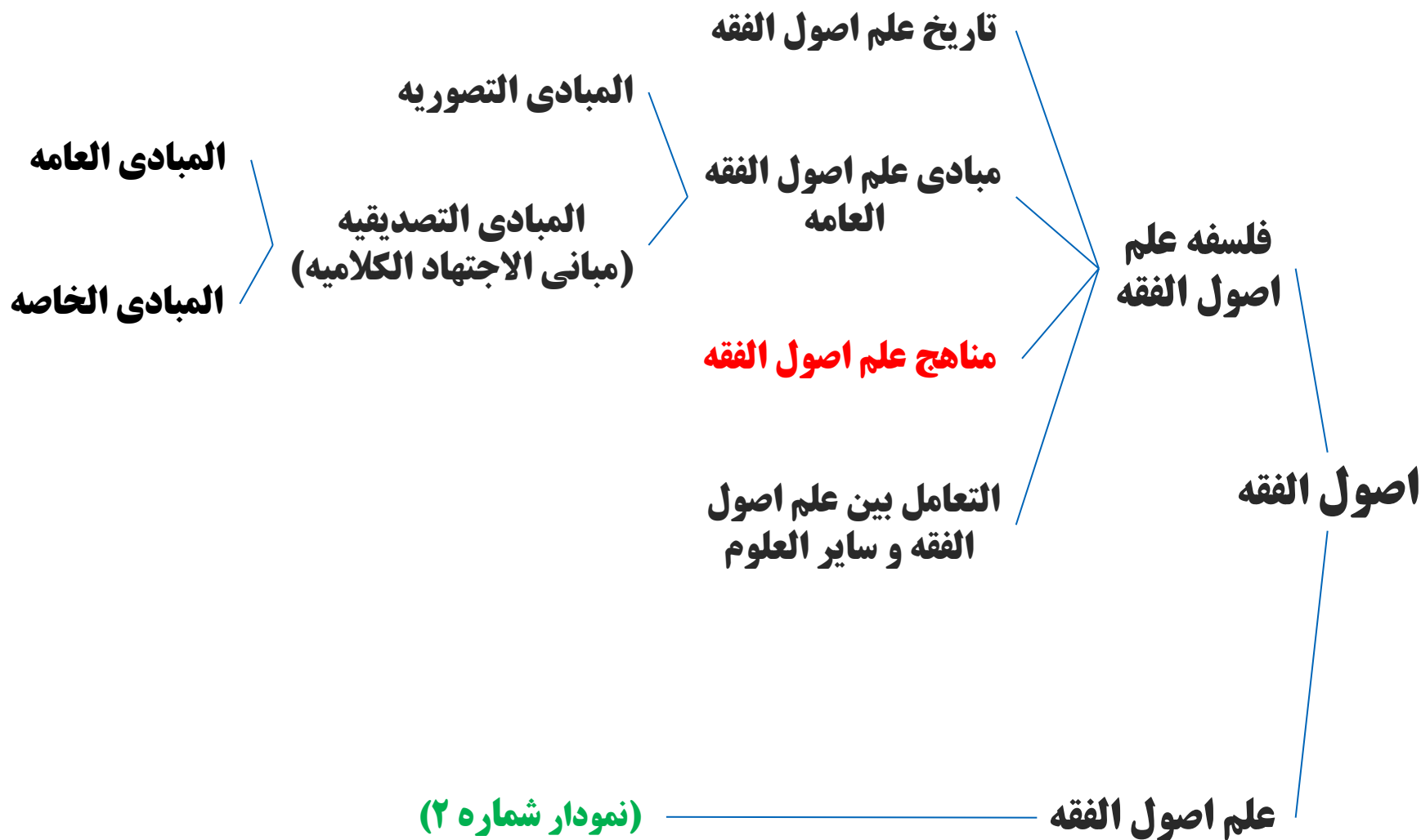
۳- روش شناسی علم (متدولوژی)

- در این بحث به روش‌هایی اشاره کردیم که در بررسی مسائل علم اصول استفاده می‌شود و محدودیت‌ها، معیارها و ضوابطی را بررسی کردیم که باید در کاربرد این روش‌ها اعمال کنیم.

۴- تعامل علم با علوم دیگر

- در این قسمت ارتباط علم اصول با سایر دانش‌ها را بررسی می‌کنیم. در بحث‌های گذشته رابطه علم اصول را با علوم مختلف چه علوم رایج در حوزه‌های اسلامی و چه خارج از این حوزه‌ها را بحث کردیم.

(نمودار شماره ۱)



نیم نگاهی به علم اصول فقه

- آنچه علم اصول فقه به بحث از آن می-پردازد، حجت است.
- حجت چیزی است که به آن احتجاج می شود.

نیم نگاهی به علم اصول فقه

- حجت باید در دو بخش مورد بررسی قرار گیرد:
- حجت بر احکام شرعی و مکاتب اسلامی.
- حجت بر نظام‌های اسلامی.

نیم نگاهی به علم اصول فقه

- کلمه‌ی مکتب در اینجا، اصطلاحی است که در نظریه‌ای به نام «نظریه اندیشه مدون در اسلام» مطرح کرده-ایم.
- بر اساس این نظریه، اسلام در هر حوزه‌ای از حوزه-های حیات انسان، مثلاً اقتصاد و مسایل مربوط به آن، اضافه بر احکام یا به تعبیر دیگر اضافه بر حقوق که مورد توجه فقهای ما بوده، مکتب، نظام، اخلاق و فلسفه هم دارد.
- بحث فلسفه و اخلاق در این حوزه‌ها، چون بحث کلامی و فلسفی یا اخلاقی است، از حوزه‌ی بحث فقه کاملاً خارج است. اما بحث مکتب و نظام، یک بحث فقهی است.

أ. ثبات و تغییر در دین

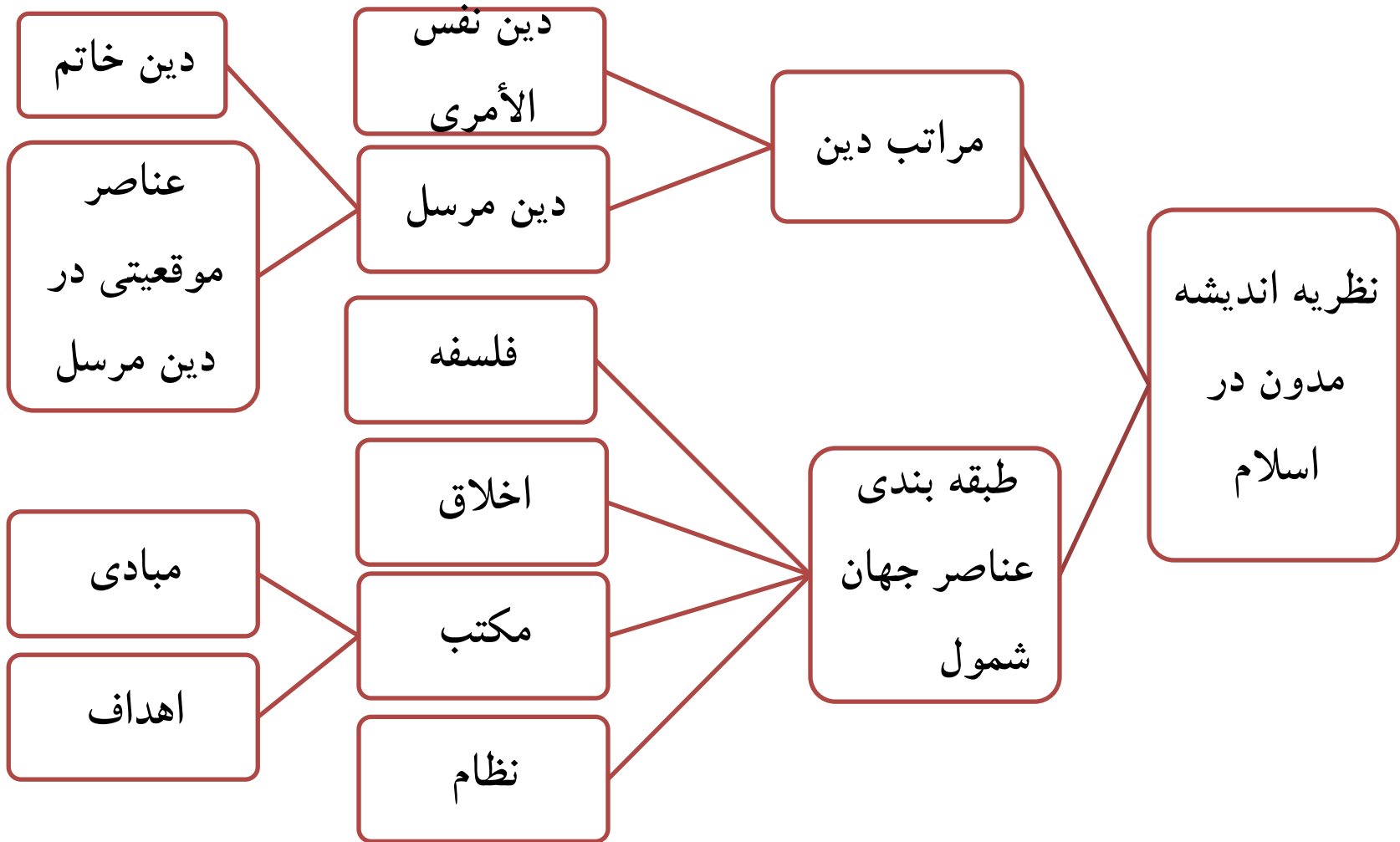
ب. اشتراک عالم و جاهل در احکام

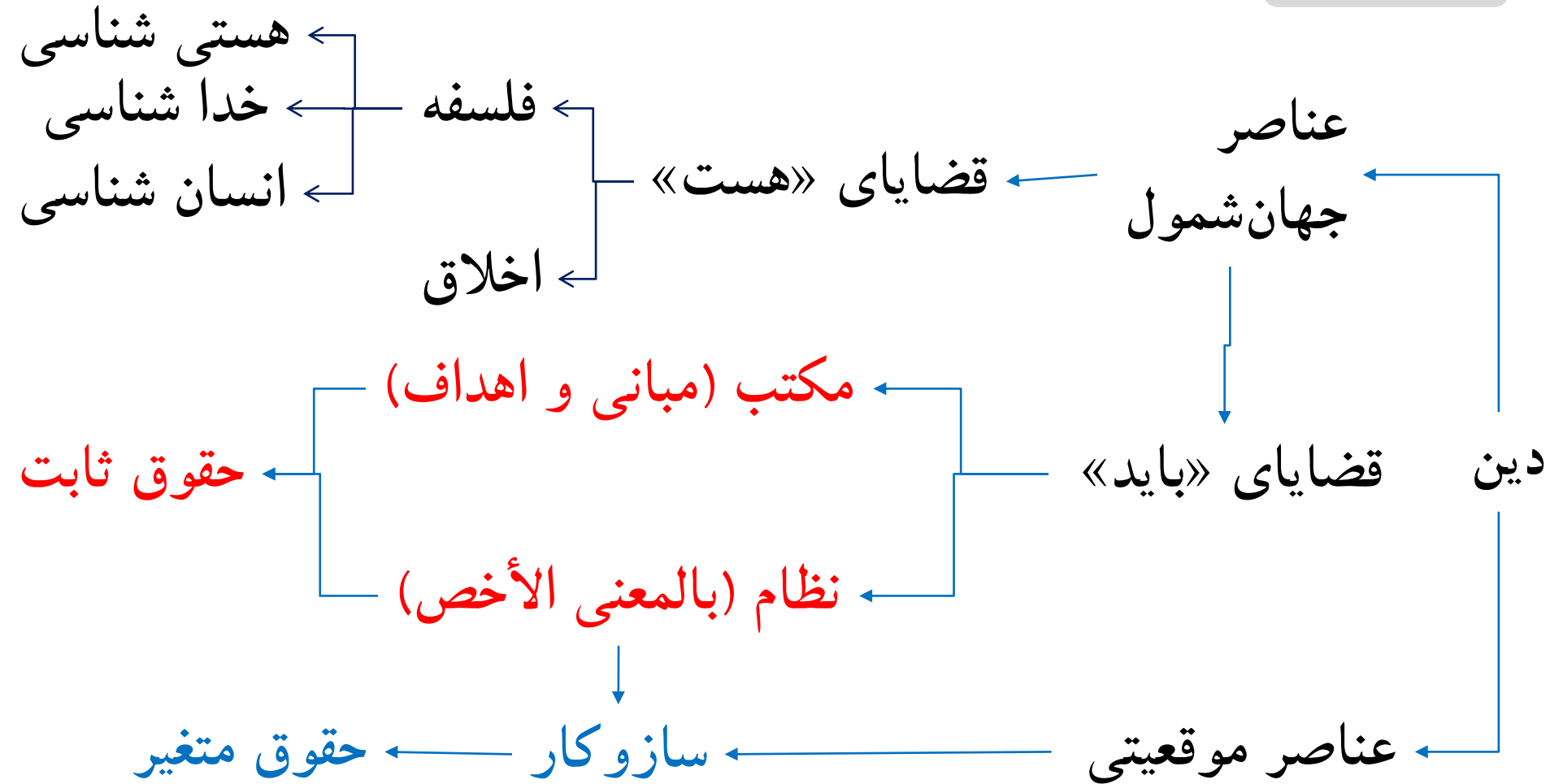
ج. جمع بین حکم ظاهری و واقعی

د. اجزاء

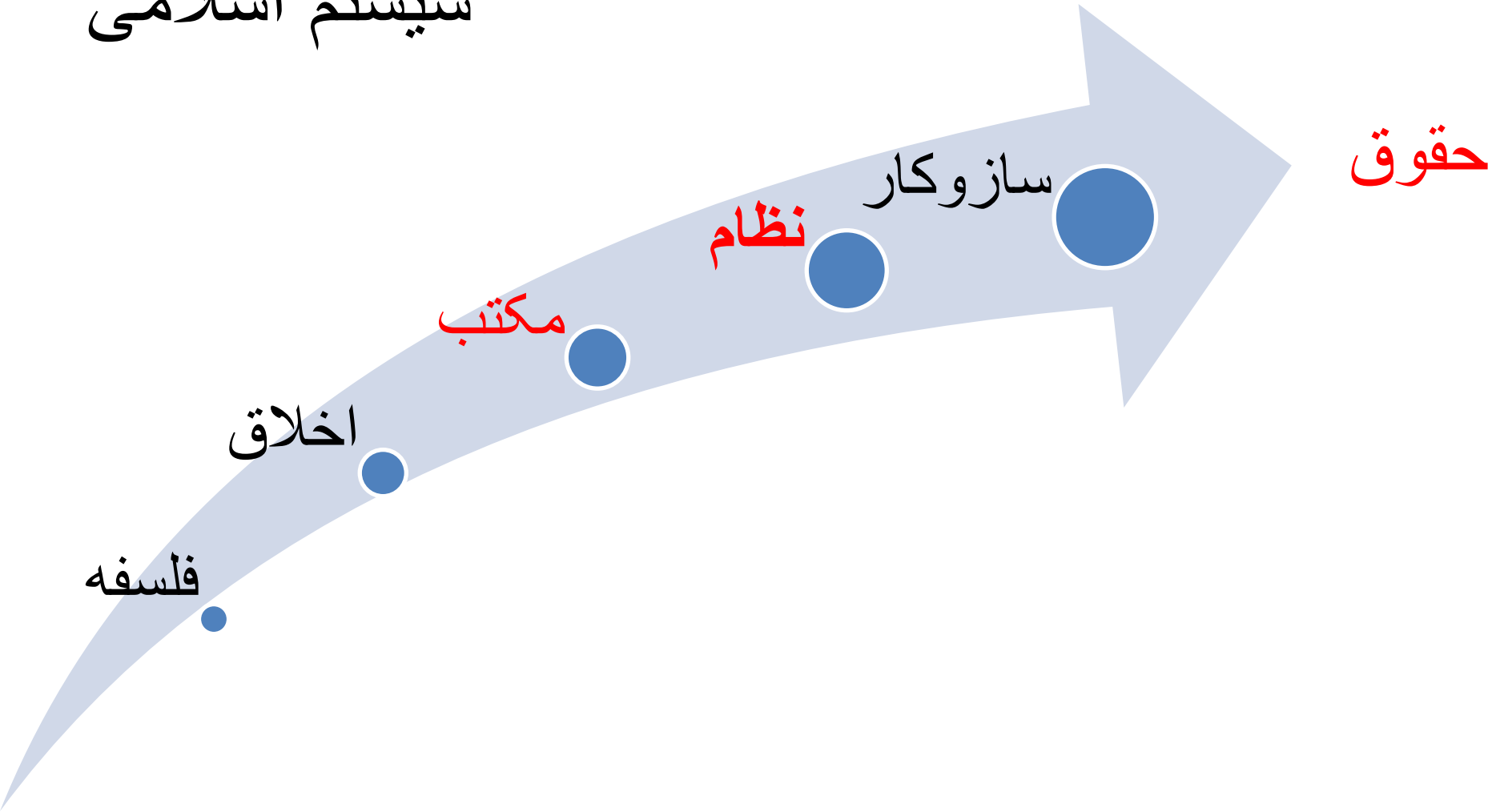
هـ. شرطیت قدرت در تکلیف

مبادی مشترک
تصدیقی





سیستم اسلامی



علم أصول الفقه

القسم الأول: الحجة
على الحكم أو المذهب

الحجة

القسم الثاني: الحجة
على النظام

نیم نگاهی به علم اصول فقہ

- آنچه به صورت متعارف به آن اصول می-گوییم، بخش اول یعنی اصول استنباط احکام است که باید آن را به اصول استنباط احکام و مکاتب توسعه دهیم.

نیم نگاهی به علم اصول فقہ

- بحث استنباط مکتب شبیه استنباط احکام است.
- از این رو، اصول مربوط به آن با اصول استنباط احکام در یک جا قرار می‌گیرد.
- بحث اصول استنباط احکام و مکاتب اسلامی در واقع همان مباحث متعارف علم اصول است که با ترتیبی متفاوت طرح می‌شود. یعنی محتوای بحث-ها، همان بحث-های شناخته شده‌ی اصولی است که با ترتیب جدیدی چینش یافته‌اند.

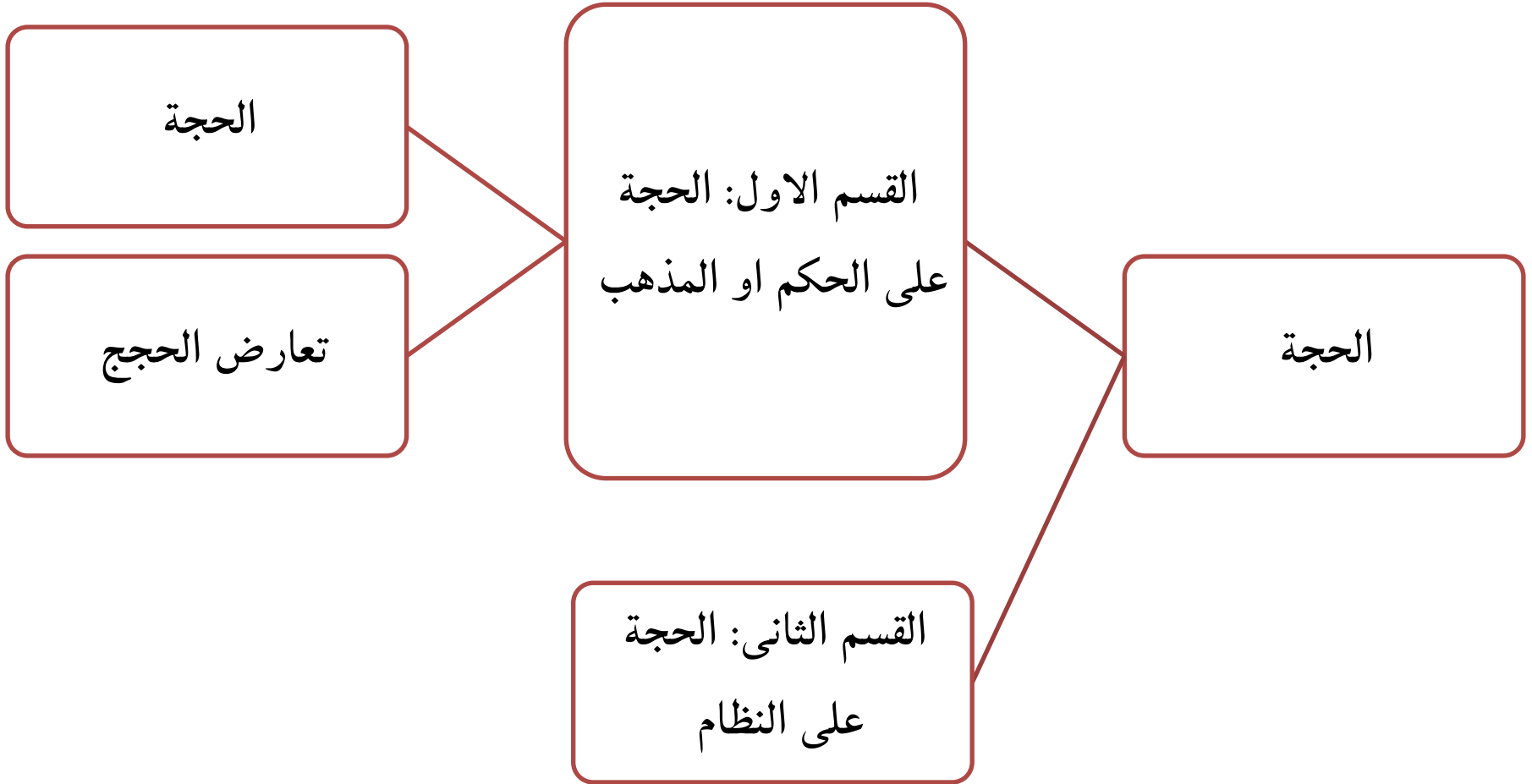
نیم نگاهی به علم اصول فقه

- اما استنباط نظام-ها، اگر چه یک کار فقهی است، اصول مربوط به آن به دلیل شیوهی استنباطی متفاوت با شیوهی استنباط احکام و مکاتب، در مکان جداگانه‌ای قرار می‌گیرد.

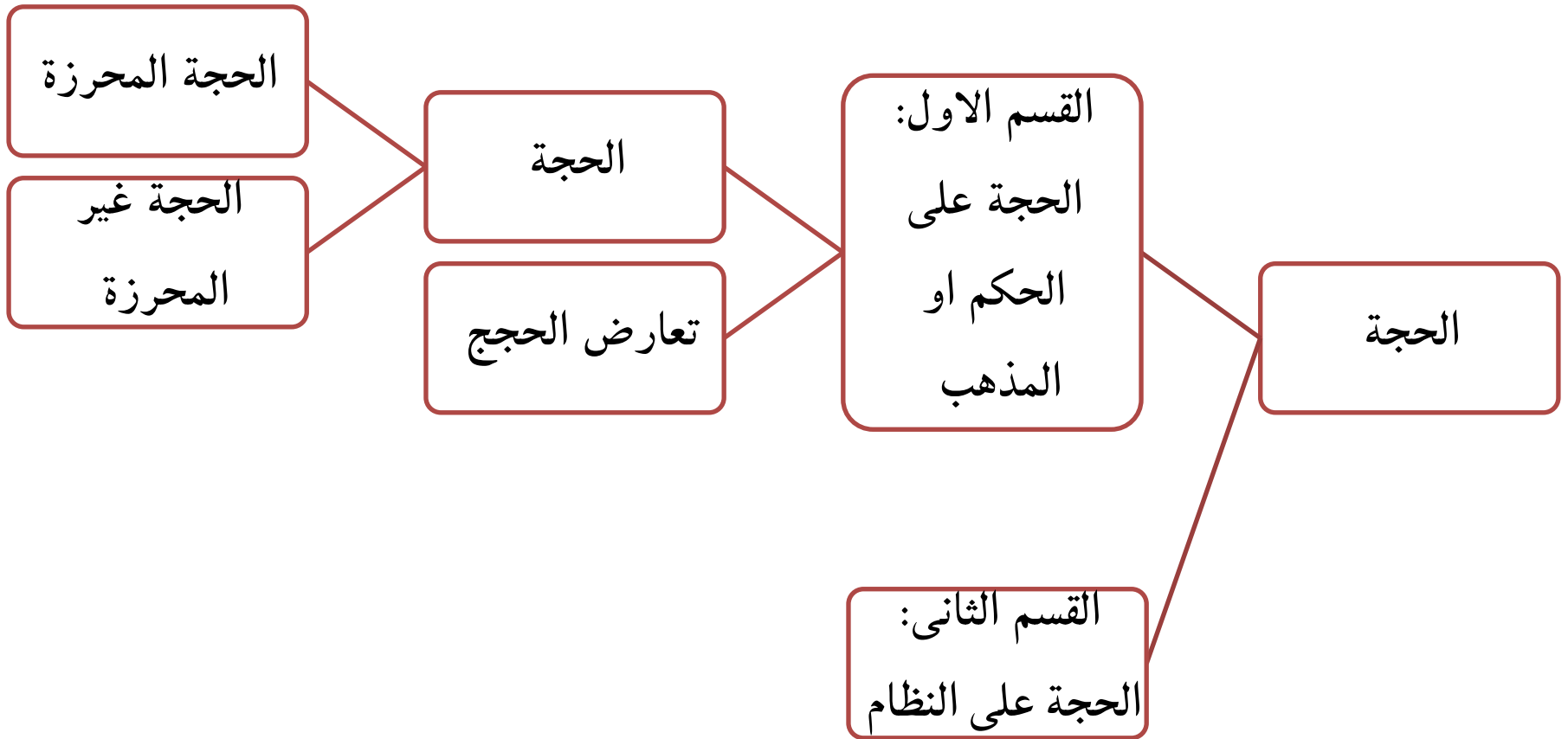
نیم نگاهی به علم اصول فقه

- بخش مربوط به اصول استنباط احکام و مکاتب به دو فصل، تقسیم می‌گردد:
- حجت.
- تعارض حجت.

علم اصول الفقه



علم أصول الفقه



علم اصول الفقه

